



Explaining Moral Teachings Through the Creation of Female Characters in Rumi's Spiritual Masnavi with a Hermeneutic Approach

E. Yaghooty¹, B. Fakhr Eslam Ph.D.^{2}, J. Mehraban Ghezelhesar Ph.D.³*

1. Ph.D. Student in Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.
2. Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran.
3. Department of Persian Language and Literature, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

Abstract

Background: Molavi has purposefully spoken about women with various personalities in his spiritual masnavi, and has tried to provide his audience with many selfish actions and moral actions in this way. He has paid attention to various intellectual resources to achieve this goal. The main issue of the present research is to show that Molavi has used the Qur'an as the main intellectual source in the explanation of the character of women in the spiritual masnavi. To better explain this finding, the basics of the hermeneutic round theory have been used. The research method is descriptive-analytical and based on library sources.

Conclusion: It seems that according to the theory of hermeneutic period, the moral teachings contained in the Qur'an as a distance from the hermeneutic periods of ethics have been reflected in Molavi's poem. The poet is a collection of moral dos and don'ts such as: "God-centeredness; contentment; peace and dialogue; Chastity and commitment; affection for each other; marry righteous women; "Self-belief and avoidance of fear" in a broad horizon of religious and social experiences in the framework of the moral phenomenon among different layers of human society, especially women. The moral world of the Qur'an (the first hermeneutic period) is the beginning of Islam, and the moral life of the Masnavi (the second hermeneutic period) is the seventh century and at the time of the invasion of the Mongols to the Iranian plateau. Therefore, the moral teachings in the Masnavi, which are written with the focus of female characters, are located along their institutionalization from the first to the second period.

Keywords: Masnavi Manavi, Woman, Ethics, Hermeneutic Round, Interpretation

***Corresponding Author:** B. Fakhr Eslam, Department of Persian Language and Literature, Neyshabur Branch, Islamic Azad University, Neyshabur, Iran. Email: Bt_fam12688@yahoo.com

How to cite: Yaghooty E, Fakhr Eslam B, Mehraban Ghezelhesar J. Explaining moral teachings through the creation of female characters in rumi's spiritual masnavi with a hermeneutic approach. Ethics in Science and Technology. 2025,20(2): 35-42.



Copyright © 2025 Authors. Published by Iranian Association for Ethics in Science and Technology. This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license. (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited

تبیین آموزه‌های اخلاقی از طریق خلق شخصیت‌های زن در دفتر مثنوی معنوی از مولوی با رویکرد دور هرمنوتیکی

الهام یاقوتی^۱، دکتر بتول فخر اسلام^{۲*}، دکتر جواد مهربان قزلحصار^۳
 ۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
 ۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نیشابور، دانشگاه آزاد اسلامی، نیشابور، ایران.
 ۳. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
 (تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱)

چکیده

زمینه: مولوی در مثنوی معنوی به صورت هدفمند از زنان سخن گفته و با شخصیت‌پردازی‌های متنوع سعی کرده است بسیاری از خویشکاری‌ها و کنش‌های اخلاقی را از این طریق در اختیار مخاطبان خود قرار دهد. او برای تحقق این هدف به منابع گوناگون فکری توجه داشته است. مسأله اصلی تحقیق حاضر این است که نشان داده شود مولوی در تبیین شخصیت زنان در مثنوی معنوی به صورت ارجاعی از قرآن به عنوان منبع فکری اصلی بهره گرفته است. برای تبیین بهتر این یافته از مبانی نظریه دور هرمنوتیکی استفاده شده است. روش تحقیق نیز، توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای است.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد با تکیه بر نظریه دور هرمنوتیکی، آموزه‌های اخلاقی مندرج در قرآن به مثابه دوری از ادوار هرمنوتیک اخلاق در سروده مولوی بازتاب داشته است. شاعر مجموعه‌ای از بایدها و نبایدهای اخلاقی همچون: «خدامحوری؛ قناعت‌ورزی؛ صلح‌دوستی و گفتگو؛ پاکدامنی و تعهدورزی؛ محبت‌ورزی به همدیگر؛ ازدواج با زنان صالح» را در افقی وسیع از تجربه‌های دینی و اجتماعی در چهارچوب پدیده اخلاقی میان لایه‌های گوناگون جامعه انسانی به ویژه زنان نمودار ساخته است. زیست‌جهان اخلاقی قرآن (دور اول هرمنوتیکی)، صدر اسلام بوده و زیست‌جهان اخلاقی مثنوی (دور دوم هرمنوتیکی)، سده هفتم و در زمان یورش مغولان به فلات ایران است. بنابراین، آموزه‌های اخلاقی در مثنوی که با محوریت شخصیت‌های زن سروده شده‌اند، در امتداد نهادینه‌شدن خود از دور اول به دور دوم قرار دارند.

کلیدواژگان: مثنوی معنوی، زن، اخلاق، دور هرمنوتیکی، تفسیر.

سر آغاز

او برای بازنمایی دیدگاه‌های خود از منابع فکری گوناگونی استفاده کرده است که مهم‌ترین آن، کتاب قرآن است. مولوی پیش از تحولات روحی، فقهی^۳ و واعظی^۴ چیره‌دست بود و مجالس متعددی در خانقاه خود برپای می‌کرد. بنابراین، بدیهی است که آشنایی عمیقی با متون اسلامی اصلی داشته است.

مولوی غیر از مضامین دینی، عرفانی، عاشقانه به مسائل اخلاقی و اندرزی^۵ هم در مثنوی معنوی توجه کرده است. در واقع، تکرار و بازتاب این آموزه‌ها به قدری گسترده است که باید مثنوی را اثری عرفانی-تعلیمی به شمار آورد. «او با تکیه بر قدرت شاعرانگی، ذوق کم‌نظیر ادبی، نگاه اخلاق‌گرا^۶ و اندرزی و نیز، آگاهی‌های اجتماعی به شعرسرایی روی آورده و بسیاری از دغدغه‌های خود را شرح داده است»^(۳).

مولوی از جمله شخصیت‌های برجسته در گستره شعر و ادب فارسی است. او به عنوان عارفی^۱ برجسته اثرهای بسیاری بر جریان شعرسرایی و صوفی‌گرایی^۲ اسلامی باقی گذاشت و رویکردهای او همچنان در جهان اسلام مورد نظر قرار می‌گیرد و موافقان و مخالفان بسیاری را به خود مشغول داشته است. محور سخنان او به نوع بشر برمی‌گردد؛ زیرا از دید عارف، «هدف خلقت انسان را صرفاً باید در خود انسان جستجو کرد»^(۱). در نتیجه، مولوی به مانند هم‌فکران خود، سعی در تأثیرگذاری بر آدمی داشته است. «مثنوی به حق، دریایی است بیکران، انباشته از دُرهای گرانمایه و پر قیمت که در کمتر مکتوبی می‌توان بدانها دست یافت»^(۲).

ترجمه شده است که تأویل، ترجمه دقیق‌تری است و به معنای نهفته در پس هر چیزی نظر دارد». (۸) بنابراین باید چنین گفت که معنای درونی متن خلق‌شده از جمله سازه‌های اصلی در هرمنوتیک است. به طور کلی در هرمنوتیک سه مبحث و ضلع محوری وجود دارد: «۱. متن که نیازمند فهم و تفسیر است ۲. واسطه حصول فهم (مفسر یا هرمس) ۳. رساندن پیام متن به مخاطبان». (۹) بر این پایه، سه عنصر اصلی در هرمنوتیک عبارت است از: متن، درک تأویل‌کننده و رساندن مفهوم به مخاطب.

یکی از زیرشاخه‌های هرمنوتیک، دور هرمنوتیکی است. در این رویکرد، «هیچ فهم و تفسیری بدون وضع هرمنوتیکی یا شرایط انحیازی میسر نیست». (۶) بنابراین، درک و برداشت درست از پدیده‌ها با آگاهی‌های قبلی ارتباطی مستقیم دارد. بر این پایه، آیات قرآن و کتب حدیث این فرصت را در اختیار می‌گذارد تا امکان فهم پدیده اخلاق در مثنوی معنوی فراهم شود. «دور هرمنوتیکی، کنشی ارجاعی و تواتری است». (۵) زمانی که صحبت از دور هرمنوتیکی به میان می‌آید، این نکته را باید در نظر داشت که هیچ متنی مستقل نیست و قطعاً نشانه‌هایی از متون قبلی یا هم‌دوره در آن وجود دارد. البته این نشانه‌ها یا آشکار هستند یا در لایه‌های چندگانه زبانی پنهان شده‌اند. اگر این دیدگاه را بپذیریم، هیچ اثری دارای نوآوری و بکر بودن نیست و بارقه‌هایی از افکار دیگران را در خود جای داده است. «هر متنی یک بینامتن است که مراکز بی‌شماری از فرهنگ را شامل می‌شود و مؤلف، فقط به ذکر مباحثی می‌پردازد که قبل از وی به شکلی دیگر مطرح شده [است]». (۱۰) بنابراین، اگر مولوی از آموزه‌های اخلاقی سخن می‌گوید، به این معنا نیست که آن آموزه‌ها برای نخستین بار از زبان او در مثنوی مطرح شده‌اند، بلکه او آموزه‌های آشنا به ذهن مخاطب را با بیانی جدید و شیوه‌ای دیگر تبیین می‌کند و به عبارتی، به بازآفرینی آموزه‌ها می‌پردازد. پس «بینامتنیت، کاربرد آگاهانه تمام یا بخشی از متن پیشین در متن حاضر است» (۱۱) و متن متقدم تحت تأثیر آشکار یا پنهان متن متأخر قرار دارد. حرکتهای ارجاعی و مفهوم حلقوی در دور هرمنوتیکی انواعی دارد که عبارت است از: «حرکت از جزء به کل و بالعکس؛ حرکت بین تأویل دستوری و تأویل فنی؛ حرکت بین عین و ذهن؛ حرکت بین حدس / پیشگویی و مقایسه / سنجش؛ حرکت از دانسته‌های پیشین یا فعلی به معلومات بعدی و بالعکس؛ حرکت بین مفسر و متن؛ حرکت بین متن و بافت؛ حرکت بین متن و مؤلف؛ حرکت از سطح به عمق؛ حرکت بین پیش‌ساختارهای تفسیر / تأویل؛ حرکت بین واقعیت و اگرستانس؛ حرکت بین فهم و مبهم / متوسط و گشودگی روشن؛ حرکت میان هستی دازاین و خود هستی؛ حرکت از اجمال به تفصیل». (۱۲) نشانه‌هایی از این حرکات ارجاعی در مثنوی دیده می‌شود که بازخورد آن، توجه به اخلاقیات و فهم و تفسیر شاخصه‌های تربیتی است.

تحلیل موضوع

درک مولوی از اخلاق در راستای خوانش قرآن از مفاهیم اخلاقی قرار می‌گیرد. در واقع، هم در قرآن و هم در مثنوی معنوی، زیست‌جهان

او در دفترهای گوناگون اثر خود مجموعه‌ای از گنجینه‌های اخلاقی را تبیین کرده و مخاطبان عام و خاص را از بایدها و نبایدهای اخلاقی^۲ آگاه ساخته است. به طور کلی، «مسأله اخلاق در هنر^۳ از جمله در شعر به عنوان هنر کلامی^۴، همواره مورد توجه ادیبان^۵، فیلسوفان^۶ و منتقدان^۷ حوزه‌های اخلاق، ادب و هنر بوده است». (۴) به این اعتبار، مولوی برای انعکاس اخلاقیات در مثنوی معنوی از روش‌های گوناگونی بهره گرفته که شخصیت‌پردازی^۸ به ویژه خلق شخصیت‌های زن از آن جمله است. وی در تشریح حکایت‌هایی از این دست به صورت آشکار و غیرمستقیم تحت تأثیر کلام‌الله بوده است. بنابراین، اخلاقیات در مثنوی به نوعی بازنشر کلام‌الله در قرآن است که با طرح و روشی جدید در اختیار مخاطبان^۹ قرار گرفته است.

در دهه‌های گذشته مبحث تأثیر و تأثر آثار از همدیگر، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران حوزه علوم انسانی^{۱۰} قرار گرفته و نظریه‌های گوناگونی برای سامان دادن به تحقیقات پدید آمده است که در این میان می‌توان به نظریه هرمنوتیک^{۱۱} اشاره کرد. باورمندان به هرمنوتیک بر این نکته تأکید می‌کنند که نباید و نمی‌توان برای فهم هیچ نقطه آغازی را متصور بود. در ارتباط با یک تألیف، فاصله‌ای میان خواننده و مؤلف^{۱۲} وجود ندارد و فهم رویکردهای صاحب اثر، ارجاعی^{۱۳} محسوب می‌شود و مابه‌ازایی در آثار دیگر دارد. دور هرمنوتیکی^{۱۴} «اساساً فهم، کنشی ارجاعی و ترددی است». (۵) به این معنا که گونه‌ای حرکت حلقوی در ژرفای همه نموده‌های فهم، پنهان شده است. در نتیجه، هیچ فهم و خوانشی بدون در نظر گرفتن یک موقعیت هرمنوتیکی امکان‌پذیر نیست (۶) و همه متون به هم وابسته هستند.

بر این پایه، در پژوهش حاضر گستره اثرپذیری‌های اخلاقی و تعلیمی مولوی در مثنوی معنوی از قرآن با رویکرد به چهارچوب‌های نظریه دور هرمنوتیکی بررسی و کاویده می‌شود تا نشان داده شود که آموزه‌های اخلاقی مندرج در اثر مولوی به عنوان دور دوم هرمنوتیک شناخته می‌شود و غالباً از نوع ارجاعی است. به عبارت دیگر، فهم اخلاقیات در مثنوی از نقطه صفر شروع نمی‌شود و مسبوق به سابقه است. شایان ذکر است که صرفاً حکایت‌هایی از مثنوی معنوی برگزیده شده‌اند که با محوریت شخصیت زنان سروده شده است تا از این طریق، دگردیسی-هایی که شاعر در کیفیت بازنمایی این آموزه‌ها نسبت به آثار دور اول هرمنوتیک انجام داده است، به خوبی بررسی شود.

بحث

هرمنوتیک و نظریه دور هرمنوتیکی

هرمنوتیک از منظر توضیح و معنی کردن متن برای بیان مفهوم اصلی و مقصود نویسنده، نوعی «علم یا نظریه تأویل و تفسیر است. ریشه این واژه یونانی Hermeneuein به معنای تفسیر کردن، به زبان خود ترجمه کردن و روشن و قابل فهم کردن و شرح دادن است». (۷) در دایره‌المعارف کلمبیا، «هرمنوتیک نظریه و عمل تفسیر بیان شده است ... واژه هرمنوتیک به زبان فارسی ... به معنای تفسیر، برداشت و تأویل



دکتر بتول فخر اسلام و همکاران: تبیین آموزه‌های اخلاقی از طریق خلق شخصیت‌های زن در دفتر مثنوی معنوی از مولوی با رویکرد دور هرمنوتیکی

مشابهی در حال تجربه شدن است. «زیست‌جهان، چهارچوب سوژگی [پژوهشگری] است که به واسطه آن، فرد جهان را درک و تفسیر می‌کند». (۷) چهارچوب‌های کلی آموزه‌های اخلاقی که در منابع اصلی مورد نظر مولوی ترسیم شده، از سوی شاعر در مثنوی معنوی نهادینه شده و در کانون توجهات وی قرار گرفته است. اگر مثنوی معنوی در چهارچوب‌های دور هرمنوتیکی قرار بگیرد، به مثابه ارجاعی از کل به جزء و دانسته‌های قبلی به معلومات پسین است. در واقع، متنی است که آموزه‌های آن از اجمال به سوی تفصیل در حرکت هستند و از ذهنیت به عینیت درآمده‌اند و مفاهیم به صورت پیچیده‌تر و چندلایه بیان شده و مطالب از سطح به عمق رفته‌اند. این سخن بدان معناست که مولوی این آموزه‌ها را -که به صورت مستقیم و ساده در متون صدر اسلام وجود داشتند- تغییر داده و با شگردهای ادیبانه و نیز، درآمیختن آن با اصطلاحات عرفانی، به لفافه برده و به صورت غیرمستقیم در اختیار مخاطبان گذاشته است. در ادامه به این آموزه‌ها پرداخته می‌شود.

۱. دعوت به خدامحوری با تأکید بر نقش زن در جایگاه

مادر، قدیسه و ملکه

دور هرمنوتیکی «ایستا و ثابت نیست، بلکه سیال و پویاست ... و دانسته‌های پیشین و پیش‌فرض‌ها و پیش‌ساختارها، پیوسته تنقید، اصلاح، تکمیل و نقد می‌شوند». (۱۲) در قرآن، آیه‌های متعددی به مفهوم اخلاقی خدامحوری اشاره دارد. در واقع، کلیت قرآن از این موضوع بنیادی سخن می‌گوید. مولوی هم با استناد به قرآن به عنوان دور اول هرمنوتیکی، از گفتگوی زن یهودی با کودک خردسالش پرده برمی‌دارد تا در جریان این گفت‌وگوها این پیام را به مخاطبان خود انتقال دهد که پیوسته در اندیشه یاری جستن از حق تعالی باشند؛ زیرا این خصیصه آدمی را از هر مشکلی رهایی می‌بخشد و زمینه‌ساز رشد و صعود وی می‌شود.

یک زنی با طفل آورد آن جهود	پیش آن بت و آتش اندر شعله بود
طفل از او بستد در آتش درفگند	زن بترسید و دل از ایمان بکند
خواست تا او سجده آرد پیش بت	بانگ زد آن طفل: ای لم امت
اندر آ ای مادر، اینجا من خوشم	گرچه در صورت میان آتشم
چشم‌بند است آتش از بهر حجاب	رحمت است این سر برآورده ز جیب
اندر آ مادر، ببین برهان حق	تا ببینی عشرت خالصان حق
اندر آ مادر، به حق مادری	بین که این آذر ندارد آذری
اندر آ مادر، که اقبال آمده‌ست	اندر آ مادر، مده دولت ز دست

(۱۳)

حضرت مریم در فرهنگ ادبی فارسی، نماد و رمز خداپاوری و حق‌محوری است. این شخصیت در همهٔ بحران‌هایی که تجربه کرده است، خداوند را از یاد نمی‌برد و پیوسته از او درخواست کمک می‌کند. مولوی از طریق خلق این شخصیت زن، دست به الگوسازی زده و فرهنگ اخلاقی خدامحوری را تبلیغ کرده است. این خوانش مولوی از داستان مریم، برگرفته از قرآن به عنوان کتاب اصلی است. او دانسته‌های پیشین و پیش‌فرض‌ها و پیش‌ساختارهای اخلاقی را از این کتاب آسمانی گرفته و پس از تنقید و اصلاح، آن را مطرح و بازنمایی کرده است.

همچو مریم، گوی پیش از فوت ملک	نقش را کالعود بالرحمن منک
دید مریم صورتی بس جان‌فزا	جان‌فزایی، دلربایی در خلا
لرزه بر اعضای مریم اوفتاد	کو برهنه بود و ترسید از فساد
گشت بی‌خود و در بی‌خودی	گفت: بجهم در پناه ایزدی

(۱۳)

در بیت‌های ذیل، مولوی از ملکه بلقیس سخن می‌گوید که فردی او را به سوی خدامحوری دعوت می‌کند. او از گرفتار آمدن در دنیا دنی که چون دنیای مردارهاست، برحذر داشته می‌شود. در برابر، به وی توصیه می‌شود که برای رسیدن به شکوه و بزرگی معنوی و شخصیتی باید به خداوند تکیه کند. گوینده به این مقدار بسنده نمی‌کند و با ذکر مصداق‌هایی به بلقیس یادآوری می‌کند که رفتاری شبیه به خواهرانش داشته باشد تا مورد لطف الهی قرار بگیرد. مفهوم کلی این ابیات در قرآن هم تکرار شده است. البته، مولوی بر آن افزوده و با شخصیت‌پردازی و افزودن عنصر گفتگو، ماجرا را بازآفرینی کرده و شکل بسیط‌تری از آموزه اخلاقی «توکل بر خدا» را شرح داده است.

خیز بلقیسا! بیا و ملک بین	بر لب دریای یزدان در به چین
خواهرانت ساکن چرخ سنی	تو به مرداری، چه سلطانی کنی؟
خواهرانت را ز بخشش‌های راد	هیچ می‌دانی که آن سلطان چه داد؟

(۱۳)

مادر حضرت موسی در قرآن یکی از زنان ستوده شده است. او در نجات جان فرزند خردسال خود، نقشی بارز دارد. مولوی این داستان قرآنی را در نظر داشته و با عنایت به این رویداد تاریخی و دینی، مفهومی اخلاقی را شرح داده است. بنابراین، مفهوم داستان از دور نخست هرمنوتیکی دچار تغییراتی محتوایی شده و در دور دوم هرمنوتیک (دوره مولوی) به صورت بازآفرینی شده در اختیار مخاطبان خاص و عام قرار گرفته است. شاعر در ابیات ذیل به مقوله اخلاقی اعتماد ورزیدن به خداوند اشاره کرده است. «شناخت انسان نسبت به خود می‌تواند مقدمه‌ای برای شناخت آیات الهی در وجود انسان و نهایتاً رسیدن به شناختی برتر و بالاتر باشد». (۱۴) مولوی به مادر حضرت موسی (ع) به عنوان یک زن در جایگاه قدیس اشاره می‌کند و به صورت غیرمستقیم به مخاطب خود اعلام می‌دارد که به خداوند و امر او اعتماد کنند و از آن پیروی نمایند.

شیرده ای مادر موسی! ورا	وندر آب افگن، میندیش از بلا
-------------------------	-----------------------------

(۱۳)

۲. دعوت به قناعت‌ورزی با تأکید بر نقش زن در جایگاه

همسر

در قرآن از زنان بسیاری یاد شده است که در نقش همسر شخصیت‌های مرد ظاهر شده‌اند و باری تعالی از این طریق، بخشی از آموزه‌های انسان‌ساز را به مخاطبان خود انتقال داده است. مولوی هم، از این داستان‌های قرآنی به عنوان دور نخست هرمنوتیکی بهره‌برداری کرده تا متنی خلق کند که مربوط به دور دوم هرمنوتیکی می‌شود. مولوی به شاخصه‌های اخلاقی متنوعی در مثنوی معنوی پرداخته است که حرص و آز از آن جمله است. او «حرص را خصیصه ذاتی انسان می‌داند که به اقتضای سرشت آدمی، کسی از آن در امان نیست و انسان توان ایستایی در برابر آن را ندارد». (۱۵) بر این پایه، در یکی از حکایت‌ها با نظر داشت

گفتمان است و استدلال‌آوری را بر درگیری و نزاع، اولویت می‌دهد. او خواهان تأمین نیازهای اولیه زندگی از همسرش است. مولوی با رویکردی مثبت، قدرت مشاوره و همراهی گفتار و هم‌صحبتی زنان را در جایگاه همسر نشان داده است. همچنین، این شخصیت زن در جایگاه همسر، با دیدگاهی مطلوب، زنی عاقل و هوشیار نشان داده شده است. دوراندیشی یک زن و تلاش او برای کشف حقیقت و چیستی ماجرا، دلیلی برای رد مفاهیم رایج درباره نقصان عقل زنان و کوتاه‌فکری آنان است.

گفت زن: «آهنگ برم می‌کنی یا به حیل کشف سرم می‌کنی؟» (۱۳)

گفت زن: «یک آفتابی تافته‌ست عالمی زو روشنایی یافته‌ست» (۱۳)

۴. دعوت به محبت‌ورزی به همدیگر با تأکید بر نقش زن در جایگاه همسر، دختر و مادر

یکی از کارکردهای دین این است که محبت و نوع‌دوستی را در میان جوامع بشری گسترش دهد. توصیه‌های متعددی در قرآن وجود دارد که بر مبنای آن، افراد برای محبت کردن به یکدیگر دعوت شده‌اند. مولوی در مثنوی معنوی از چنین مفهومی استفاده کرده و با خلق شخصیت‌ها و داستان‌پردازی، مخاطبان خود را به این شاخصه اخلاقی سوق داده است. در بیت‌های ذیل به یک عرف اجتماعی یعنی نفقه هم اشاره شده است که در زندگی زناشویی یکی از حقوق زن محسوب می‌شود. مولوی در گفتگویی که میان زن و شوهر درمی‌گیرد، به اصل دیگری هم در روابط زناشویی اشاره می‌کند و آن، ابراز محبت نسبت به همدیگر است. از دید شاعر، پرداخت نفقه (مسائل مالی) اگرچه برعهده مرد قرار دارد، ولی صرفاً تأمین این نیاز، کافی نیست و بُعد عاطفی هم برای پایداری و تداوم یک رابطه اهمیت و ضرورت دارد. با عنایت به مبانی نظریه دور هرمنوتیکی، مولوی با جرح و تعدیل مبانی قرآنی و در سطح کلان‌تر، دینی سعی کرده است شماری از خویشکاری‌های زنان و مردان را بازگو کند. در واقع، او خوانش و تفسیر ویژه خودش را از دین ارائه می‌کند و با حرکت از دانسته‌های پیشین به معلومات کنونی، سطح متن را می‌شکافد و به لایه‌های زیرین آن می‌رود و مفهوم اخلاقی «اهمیت محبت‌ورزی در فرآیند زناشویی» را شرح می‌دهد:

آن یکی زن، شوی خود را گفت: «هی! ای مروت را به یک ره کرده طی هیچ تیمارم نمی‌داری چرا؟ تا به کی باشم در این خواری چرا؟ گفت شو: من نفقه چاره می‌کنم گرچه عورم، دست و پای می‌زنم» (۱۳)

در بیت‌های ذیل، مولوی توضیحاتی در ارتباط با جایگاه محبت کردن در روابط انسانی بیان می‌دارد و برای بازنمایی این مفهوم، صحنه‌ای را خلق می‌کند که در آن، پدر به دختر خود نصیحت می‌کند تا قدر داشته‌های معنوی خود را بداند و از آنها غافل نشود. شاعر با حرکت از سطح به عمق متن سعی می‌کند مخاطب را با مفهوم اخلاقی مورد نظر خود آشنا کند. بر این پایه، شخصیت مرد در داستان به دختر خود از انس گرفتن با پدر، مادر و دایه سخن می‌گوید و در ادامه، این ویژگی را با همد شدن با خداوند مقایسه می‌کند تا بر جنبه‌های قدسی و معنوی آن

حدیثی از پیامبر (ص) که فقر را مایه فخر می‌دانست، داستانی را روایت می‌کند که بازنماینده کج اخلاقی‌های زن در حق همسر است. این زن با شمایات‌های بسیار، زندگی را بر همسرش حرام کرده و دلیل این رفتار از دید مولوی، قناعت نوزیدن است. در واقع، با خلق این شخصیت زن، شاعر سعی می‌کند الگویی را به عنوان ضدفرهنگ اخلاقی مطرح کند و مخاطبان دریابند که رفتارهای این زن خلاف خواست دینی است.

گفت: «ای زن! تو زنی یا بوالهزن؟ فقر فخر آمد، مرا بر سر مزین» (۱۳)

در بیت‌های ذیل، مولوی زنی ریاکار و دوروی را معرفی می‌کند که کلام او با رفتارش دیگرگونه است. در واقع، او شخصیتی منافق را خلق می‌کند که در برخورد با همسرش، رفتاری دوگانه دارد. شاعر با بهره‌گیری از عبارت «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» که در آیه ۲ سوره صف آمده است، داستان ذیل را می‌آفریند و آن را گسترش می‌دهد. مفهوم دیگری که در این شعرها آمده، پرهیز از آزمندی و گرایش به قناعت‌ورزی است. زن که به هرچه دارند، راضی نیست، گوشت را می‌خورد و به همسرش می‌گوید که گربه آن را دزدیده است. در ادامه از همسرش درخواست می‌کند تا دوباره گوشت تهیه کند. سیمایی که مولوی از زن در نقش همسر ارائه می‌دهد، منفی است:

بود مردی کخدا، او را زنی سخت طنناز و پلید و رهزنی هرچه آوردی، تلف کردیش زن مرد مضطر بود اندر تن‌زدن زن بخوردش با کباب و با شراب مرد آمد، گفت دفع ناصواب گفت زن: این گربه خورد آن گوشت را گوشت دیگر خر، اگر باشد، هلا برکشیدش، بود و افزون یک ستیر هست گربه نیم من، هم ای ستیر» (۱۳)

۳. دعوت به صلح‌دوستی و گفتگو با تأکید بر نقش زن در جایگاه همسر

یکی از مسائل اخلاقی که در قرآن مورد نظر قرار گرفته، دوری گزیدن از جنگ‌طلبی است. در برابر، صلح‌جویی مورد نظر قرار گرفته است. «از دید مولوی، جنگ خلقان ناشی از تعصب است ... [و] بشر خرمن گفتگو را یکسره به باد داده؛ چراکه همواره تمام وجود خود را حق و دیگری را باطل تصور کرده است». (۱۶) در بیت ذیل، مولوی به بازآفرینی این مفهوم قرآنی می‌پردازد و با خلق یک داستان، گفتگوی میان زن و مرد را شرح می‌دهد تا مخاطب با خوانش آن به ژرفای رویکرد اخلاقی شاعر دست پیدا کند. در این بیت، شخصیت زن در جایگاه همسر نصیحت می‌شود. همچنین، شخصیت شوهر از شخصیت زن به عنوان همسرش خواهرش می‌کند تا از جنگ‌جویی و آشوب‌طلبی پرهیز کند و در غیر این صورت، او را ترک کند. رفتار مسالمت‌آمیز شخصیت مرد با شخصیت زن نمود دارد. در واقع، مولوی به مخاطب خود می‌گوید که زنان در امر خانه‌داری باید خانه را به محیطی همراه با آرامش و صلح تبدیل کنند و از ایجاد تنش دوری نمایند:

ترک جنگ و رهزنی ای زن بگو ورم نمی‌گویی، به ترک من بگو» (۱۳)

مولوی نگاه منفی صرف به جنسیت زن ندارد و گاهی از رفتارهای سنجیده آنان سخن می‌گوید. او به شخصیتی اشاره می‌کند که اهل

دکتر بتول فخر اسلام و همکاران: تبیین آموزه‌های اخلاقی از طریق خلق شخصیت‌های زن در دفتر مثنوی معنوی از مولوی با رویکرد دور هرمنوتیکی

بیفزاید. به عبارت دیگر، مولوی احترام به اطرافیان به ویژه والدین و دایه را با حرمت نهادن به حق تعالی برابر می‌داند. مولوی با تکیه بر دانسته‌های قبلی و حرکت از آن به سوی متن کنونی، مفهوم دینی حرمت نهادن به مادر و پدر را در قالب داستان، تفسیر کرده و شرح داده است: انس تو با مادر و بابا کجاست؟ گر بجز حق مونسانت را وفاست انس تو با دایه و لالا چه شد؟ گر کسی شاید به غیر حق، عضد (۱۳)

مولوی به دوران بارداری و فداکاری‌های مادر در حق فرزند خویش اشاره می‌کند تا محبت میان آنها را نشان دهد. شاعر با نظر داشت آیه‌های قرآن از جمله آیه ۱۳ سوره مؤمنون که به زندگی جنینی اشاره دارند، نکته‌ای اخلاقی را در ژرفای کلام خود بازگو کرده است. هر اندازه در قرآن به صورت اجمالی از دوران جنینی سخن به میان آمده و مطالب مطرح‌شده، ساده و بدون پیچیدگی‌های معنایی است، ولی در مثنوی معنوی، شاهد ارجاعی از کل به جزء هستیم که متن را از سطح به عمق می‌برد و بر زیرساخت سخن تأکید می‌کند. البته، باید توجه داشت که مولوی می‌داند زیست‌جهان مشابهی در قرآن و مثنوی معنوی در حال تجربه شدن است. در نتیجه، دانسته‌های قبلی خود را به معلومات پسین گره می‌زند و متنی می‌آفریند که در چهارچوب‌های دور هرمنوتیکی قرار می‌گیرد. او پیام‌های ابتدایی و ساده‌ای را که در قرآن بیان شده‌اند، به صورت مفصل‌تر و با جرح و تعدیل شرح می‌دهد. مولوی همسو با رویکرد قرآنی به شرح دوران جنینی می‌پردازد، ولی در این سطح متوقف نمی‌شود و آن را دست‌مایه‌ای برای بازنمایی پیوندهای عاطفی و محبت‌آمیز میان مادر و فرزند قرار می‌دهد تا با این گزارش و خوانش ویژه، مخاطب را تحت تأثیر قرار دهد و پیوندهای احساسی میان فرزند و والدین را رشد دهد و ارتقا بخشد:

حق مادر بعد از آن شد کآن کریم کرد او را از جنین او غریم
صورتی کردت درون جسم او داد در حملش ورا آرام و خو
همچو جزو متصل دید او تو را متصل را کرد تدبیرش جدا
حق هزاران صنعت و فن ساخته‌ست تا که مادر بر تو مهر انداخته‌ست (۱۳)

۵. ازدواج با زنان صالح با تأکید بر نقش زن در جایگاه عروس و معشوق

یکی از موضوعات مهمی که در رشد شخصیت فرد اثری مطلوب دارد، ازدواج با کسانی است که رشدیافته هستند. زنان و مردان صالح، باعث شکوفایی قابلیت‌های درونی فرد مقابل خود می‌شوند. در آیه ۲۴ سوره نور هم به این مهم اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبَاتِ». بر پایه مبانی دور هرمنوتیکی، مولوی در بیت ذیل با رویکردی مثبت، ایده‌آل‌های رفتاری و اجتماعی یک دختر برای ازدواج، بیان شده است. مولوی با رویکردی مثبت به وضعیت، جایگاه و معیارهای انتخاب یک دختر برای رسیدن به جایگاه عروس اشاره کرده است. تقابل میان صالح و کالج که واقع‌ای دینی میان خیر و شر را یادآور می‌شود، به مخاطب می‌گوید در گزینش همسر آینده دقت کافی را مد نظر داشته باشند:

دختری خواهم ز نسل صالحی نی ز نسل پادشاهی، کالهی (۱۳)

در بیت ذیل، تفکر دوگانه منفی و مثبت نسبت به زن در جایگاه همسر وجود دارد. مفهوم کلی بیت بیان می‌کند که نقش و سودمندی یا زیان زنان با ورود به زندگی افراد آشکار می‌شود. این رویکرد در راستای باور قرآنی قرار می‌گیرد که طبق آن، زنان نیکو و خبیث با مردان نیکو و خبیث ازدواج می‌کنند و مایه رشد یا سقوط همدیگر می‌شوند. در واقع، در ژرفای این نگاه مولوی نوعی نگاه دوسویه وجود دارد. به این معنا که اگر فرد مقابل (زن) رفتاری مطلوب از خود نشان دهد، نه تنها شخصیتش رشد پیدا می‌کند، بلکه شخصیت فرد مقابل (مرد) هم دچار تحولاتی عمیق خواهد شد. پس، از دید شاعر، زنان -آن گونه که سنت و عرف بیان می‌دارد- پیوسته عامل کج‌اخلاقی‌های فردی و بعضاً اجتماعی نیستند:

بس کس از عقد زنان قارون شده بس کس از عقد زنان مدیون شده (۱۳)

۶. دعوت به پاکدامنی و تعهدورزی با تأکید بر نقش زن در جایگاه همسر و معشوقه

حرکت از دانسته‌های پیشین به معلومات کنونی در بیت ذیل دیده می‌شود. به این معنا که مولوی با الهام گرفتن از ماجرای دینی و قرآنی، به اصلی اخلاقی می‌پردازد و آن را با بیانی ادبی و شاعرانه، شرح می‌دهد و تفسیر می‌کند. خالص بودن در امر عشق‌ورزی و پایبند بودن به معشوق یا همسر، همان نکته‌ای است که شاعر بیان می‌دارد. «اگر کسی از کنش تعهدی برای بازنمایی رویکرد خود بهره بگیرد، خود را در معرض کنشی قرار می‌دهد که بر اساس آن از سوی اطرافیان مورد ارزیابی و قضاوت قرار می‌گیرد». (۱۷) در شعر ذیل نیز این شرایط دیده می‌شود. در ساختار فکری شاعر، عشق واقعی با فداکاری و از خودگذشتگی همراه است. موضوع دیگر اینکه مولوی از سطح به عمق حرکت کرده است. به این معنا که در ظاهر از کنش‌های زلیخا در برخورد با یوسف پیامبر سخن گفته است تا در زیرساخت کلام به مخاطب خود القا کند که در روابط خود با چه کیفیتی برخورد کند و شیوه زیستن آنها چگونه باشد.

آن زلیخا از سپندان تا به عود نام جمله چیز یوسف کرده بود
نام او در نامه‌ها مکتوم کرد محرمان را سر آن معلوم کرد (۱۳)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش میزان اثرپذیری مولوی در مثنوی معنوی در تبیین آموزه‌های اخلاقی با محوریت شخصیت زنان از کتاب قرآن بررسی شده است. بدین منظور از مبانی نظریه دور هرمنوتیکی استفاده شده است. به نظر می‌رسد. شاعر در سرایش اثر خود از آموزه‌های اخلاقی مندرج در این کتاب آسمانی به صورت مستقیم استفاده کرده است. بنابراین، مثنوی معنوی به عنوان دور هرمنوتیک تالی از قرآن شناخته می‌شود. بیشترین گستره اثرپذیری مولوی از کتب یادشده در ارتباط با آموزه‌های «خدامحوری؛ قناعت‌ورزی؛ صلح‌دوستی و گفتگو؛ پاکدامنی و

دارای عمق و پیچیدگی بیشتری نسبت به آیات قرآن است که به دلیل گستره مخاطبان عام، ساده‌تر و سطحی‌تر بیان شده‌اند.

ملاحظه‌های اخلاقی

در پژوهش حاضر حق معنوی مولفین آثار مورد احترام قرار گرفته و قوانین تعارض منافع کاملاً مورد توجه قرار گرفته است.

واژه نامه

1. Sufi	صوفی
2. Sufism	صوفی‌گرایی
3. Jurist	فقیه
4. The preacher	واعظ
5. Moral and educational issues	مسائل اخلاقی و اندرزی
6. Ethical	اخلاق‌گرا
7. Moral dos and don'ts	بایدها و نبایدهای اخلاقی
8. Verbal art	هنر کلامی
9. The philosopher	فیلسوف
10. Reviewer	منتقد
11. Characterization	شخصیت‌پردازی
12. Audience	مخاطب
13. Humanities science	علوم انسانی
14. Hermeneutics	هرمنوتیک
15. Referential	ارجاعی
16. Hermeneutic round	دور هرمنوتیکی

تعهدورزی؛ محبت‌ورزی به همدیگر؛ ازدواج با زنان صالح» بوده است. اخلاقیات در قرآن به صورت آرمانی مطرح شده است، ولی مولوی به صورت پدیدارشناختی آن را مورد نظر قرار داده و همه ابعاد اخلاق رایج در جامعه را بیان کرده است. افزون بر این، مولوی سعی کرده است با تکیه بر شخصیت‌پردازی و آفرینش و پرورش شخصیت‌های زن، آموزه‌ها را به شیوه جدیدتری نسبت به منابع دور اول هرمنوتیکی بازگو کند و ناگفته‌هایی را به آن بیفزاید و بر جنبه‌های اجتماعی و روان‌شناسانه آموزه‌های اخلاقی تأکید کند. به عبارت دیگر، مولوی سعی کرده است این تعالیم انسان‌ساز را به شیوه‌ای کاربردی‌تر شرح دهد و صرفاً از بیان آرمان‌گونه آن پرهیز نماید. در واقع، شاعر با بهره‌گیری از این روش، آموزه‌ها را به سطح کاربرد رسانده است.

مقایسه آموزه‌های اخلاقی مثنوی با قرآن نشان می‌دهد که مولوی چند نسل بعد از نزول قرآن به دنیا آمده است. در نتیجه، از چند و چون این اثر آسمانی آگاهی کامل داشته و با اشراف کامل، اخلاقیات مندرج در قرآن را در اثر خود بازتاب داده است. همچنین، در قرآن این آموزه‌ها به صورت کلی بیان شده‌اند، ولی مولوی شرح و تفصیل بیشتری از آن ارائه کرده است. در قرآن، با توجه به کارکرد اثر، گزاره‌های اخلاقی به صورت ساده‌تر منعکس گردیده، ولی در مثنوی ابعاد جامعه‌شناسی و مردم‌شناسانه اخلاقیات هم مورد نظر شاعر قرار گرفته است. گزاره‌های اخلاقی که در قرآن ذکر شده‌اند، جنبه‌ای آرمانی دارند. در مثنوی معنوی، حکایات اخلاقی محور مرتبط با زنان، آموزه‌ها را از جنبه آرمانی صرف خارج کرده و آن را در میان همه اقشار جامعه بازتاب داده و واقعیت‌های روز را در خود جای داده است. از آنجا که مولوی سعی کرده است اخلاقیات را با مسائل اجتماعی و روان‌شناسانه گره بزند، سخنان او

References

- Darabi A, Rafeie Z, Zibaei Nejad M. Attar's view of the infra-structure of self-knowledge of man's perfection and the ethical society. Int. J. Ethics Soc. 2023; 5 (2): 18. Doi: [10.22034/ijethics.5.2.25](https://doi.org/10.22034/ijethics.5.2.25)
- Shirvani A. moral teachings in the Masnavi. 1st ed. Tehran: Dar al-Alam. 1998.
- Ziafti Bagherzadeh Z, Soleymianian H.R, AshrafZadeh R, Faqiri M. Effect of persuasive roles; emotional and literary in explaining the moral teachings contained in Molavi's sonnets and recitations; With an approach to Jacobsen's theory of verbal communication. Ethics in Science and Technology. 2023; 18(3): 39. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1402.18.3.6.7](https://doi.org/20.1001.1.22517634.1402.18.3.6.7).
- Rakei F. Ethics in Poetry. Ethics in Science and Technology. 2013; 9(3): 1. (In Persian). Dor: [20.1001.1.22517634.1393.9.3.1.9](https://doi.org/20.1001.1.22517634.1393.9.3.1.9).
- Palmer R. The science of hermeneutics. Translated by Hanayi Kashani MS. Tehran: Hermes. 1998.
- Rikhteh Garan MR. Logic and hermeneutics. 1st ed. Tehran: Congress. 1998.
- Makarik IR. Encyclopaedia of contemporary literary theories. Translated by Mohajer M, Nabavi M. Tehran: Agah. 2013.
- Ahmadi Aliabadi K. A passage and comment on hermeneutics and interpretation. 1st ed. Tehran: Agah Publication. 2015.
- Augustine. City of God, Strand. 1st ed. London: Penguin Book Ltd. 1972.
- Allen G. intertextuality. Translation by Yazdan Joo P. Tehran: Markaz. 2006
- Ahmadi B. Structure and interpretation of the text. 11th ed. Tehran: Markaz. 2009.
- Nikooyi AR. Hermeneutic era and its role in literary studies, understanding and criticism of texts. Adab Pazhuhi Magazine, 2016; 14(3): 45-49.
- Molavi JM. Masnavi Manavi. Revised by Nicholson R. Tehran: Hermes. 2013.
- Rostami Nasab AA, Sharifpour E, Kazerooni S. Cognition from the perspective of Molavi and its educational requirements. Adab and Zaban, 2013; 16(34): 219-220. Doi: <https://doi.org/10.22103/jil.2013.706>
- Nowroozpour L. Greed and Greed in the Masnavi and its comparison with four works in the field of educational literature. Journal of Stylistics of Verse and Prose, 2012; 6(1): 219 -220. Doi: <https://doi.org/10.57930/ba.2012.7557>

16. Pashayi A. Religious pluralism from Molavi's perspective. Haft Asman Magazine. 2003; 12(18): 219-220. <https://doi.org/90.84303/jil.2003.106>
17. Hajipoor H. Moral teachings in the poem "To Liberation" by Hamid Mossadegh with an approach to John Searle's

theory of speech acts. Ethics in Science and Technology. 2024; 19(1): 1-8. (In Persian). Doi: <https://doi.org/10.22034/ethicsjournal.19.1.1>.